

بررسی تعهد دولتها نسبت به امنیت آب در حقوق بین‌الملل

مهناز رشیدی**

مصطفی فضائلی*

چکیده

رابطه آب و انسان همواره ماهیتی دوگانه داشته است. از یکسو انسان و حیات اوست که به وسیله آب حفظ می‌شود و از سوی دیگر حفظ کمیت و کیفیت آب‌های شیرین موجود در این کره خاکی در گروی چگونگی فعالیت‌های انسان است. هم‌زمان با شدت گرفتن بحران آب در جهان، تلاش برای رفع آن و ایجاد حالت امنیت آب به یکی از دغدغه‌های مهم جامعه بین‌المللی بدل شده است. مسئله مهمی که در این زمینه جلب توجه می‌کند این است که آیا حقوق بین‌الملل تاکنون توانسته است دولتها را به تأمین امنیت آب متعهد سازد؟ در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تبیینی این مسئله مورد واکاوی قرار گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مسئله امنیت آب اگرچه تاکنون به طور مستقیم موضوع قواعد حقوق بین‌الملل واقع نشده، لیکن بر اساس اصول و قواعد کلی و مقررات سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل و در راستای تأمین صلح و امنیت بین‌المللی، می‌توان تعهداتی را استنباط کرده و الزاماتی را متوجه دولتها دانست و به این ترتیب خلاً حقوقی درباره تأمین امنیت آب را ترمیم کرد؛ هرچند اتخاذ گام مؤثر در این مسیر نیازمند آن است که بنیان روابط دولتها، این کنشگران اصلی عرصه بین‌الملل از سطح همکاری فراتر رفته و بیش از پیش به همبستگی و بهره‌گیری از مشارکت دیگر کنشگران ذی‌ربط بیانجامد. البته هم‌زمان تلاش در جهت توسعه حقوق بین‌الملل نیز در این زمینه ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: امنیت آب، امنیت انسانی، تعهد دولتها، حقوق بین‌الملل، منابع آبی فرامرزی.

* دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

m.fazayeli@qom.ac.ir

ahnazrashidi88@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲

مقدمه

آب رکنی جدایی‌ناپذیر در زندگی انسان‌ها و از اساسی‌ترین عناصر سازنده حیات است. وابستگی جوامع انسانی به آب برای تأمین نیازهای خود به حدی است که در طول تاریخ، کهن‌ترین تمدن‌های بشری در اطراف منابع آبی تشکیل شده‌اند و امروزه حدود ۴۰ درصد جمعیت جهان از بیش از ۲۷۰ آبراه فرامرزی بهره‌برداری می‌کنند (UN Doc. S/PV.7959, 2017: 2/22). علی‌رغم اینکه سه چهارم از سطح زمین را آب پوشانده است اما بخش اعظمی از این آب‌ها به دلیل شور بودن و یا حالت انجماد در مناطق قطبی به سهولت در دسترس بشر نیستند. در این میان افزایش جمعیت، تغییرات آب و هوایی، تغییر الگوی مصرف، توزیع نامتوازن جغرافیایی منابع آبی و دیگر عوامل چالش‌هایی را در بهره‌برداری از آب به وجود آورده است؛ به طوری که پیش‌بینی‌ها حاکی از کاهش حداقل ۵۰ درصدی منابع آبی جهان تا سال ۲۰۵۰ میلادی است که منجر به یک بحران آبی جهانی می‌شود (Wouters, 2005: 173). از این رو، تقاضای روزافزون آب با توجه به کمبود منابع آب شیرین می‌تواند پیامدهای منفی گسترده‌ای برای جوامع انسانی و محیط زیست به بار آورد و زمینه بروز اختلافات و حتی منازعات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم کند. در این میان اثرات کم‌آبی در مناطقی چون خاورمیانه و شمال آفریقا، به علت آب محور بودن تمدن‌ها و طبیعت گرم و خشک منطقه، بیشتر نمود یافته و خواهد یافت؛ بنابراین «آب از یک کالای عمومی معمولی به یک کالای عمومی راهبردی تغییر یافته است» (فریادی، ۱۳۹۷: ۱۶۵). در حال حاضر، بحران آب در کشور ایران نیز چالش‌هایی را ایجاد کرده است^۱ که تشدید آن ممکن است موجب آسیب به سلامتی و سطح رفاه شهروندان شده و مشکلاتی را در زمینه امنیت داخلی و بین‌المللی به وجود آورد. بروز چنین چالش‌هایی در سطح کلان و فقدان ادبیات حقوقی قوی در این حوزه، بررسی موضوع «تعهدات دولت‌ها نسبت به امنیت آب در حقوق بین‌الملل» را لازم می‌داند. از این رو، موضوع پژوهش حاضر حول

۱. خشک شدن دریاچه‌ها، تالاب‌ها و رودهای مهم ایران مثل دریاچه ارومیه و زاینده‌رود و اختلافات بر سر حقایق رودهایی چون هیرمند با همسایگان خارجی از مهم‌ترین معضلات آبی ایران است.

این مسئله اصلی است که مقررات حقوق بین‌الملل موضوعه چه راهکارهایی را جهت تأمین امنیت آب فراهم آورده است؟ در صورت عدم وجود قواعد و مقررات خاص در این خصوص، آیا می‌توان از نظام حقوقی بین‌المللی تعهداتی را استنباط کرد که دولت‌ها را به تأمین امنیت آب وادار سازد؟ در تکاپوی یافتن پاسخ این پرسش‌ها، با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و استفاده از روش توصیفی - تبیینی، به تبیین ابعاد مختلف موضوع پرداخته و پس از بررسی مفاهیم و مبانی آن، به ارزیابی اصول، قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل مرتبط با امنیت آب توجه خواهد شد.

۱. مفهوم امنیت آب

اصطلاح «امنیت آب»^۱ هیچ‌گاه به طور دقیق تعریف نشده است (Wouters, 2005: 167). در راستای تبیین معنی این اصطلاح نخست باید معنای «امنیت»^۲ را مدنظر قرار داد. امنیت در لغت به معنای «حالت امن بودن، بر حذر بودن از خطر و تهدید» است (English Oxford Living Dictionary, 2018). در حوزه روابط بین‌الملل، این مفهوم که عمدتاً به حوزه امنیت نظامی دولت‌ها مربوط می‌شد با پایان جنگ سرد متحول شد و در نتیجه آن ماهیت تهدیدات امنیتی از بعد نظامی به دیگر ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تسری یافت (اشرافی، ۱۳۹۳: ۸۶). چنین تعبیری از امنیت به تدریج در اسناد صادره از نهادهای بین‌المللی نیز نمود پیدا کرد. برای مثال، شورای امنیت در بیانیه‌ای در سال ۱۹۹۲ عدم ثبات اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست محیطی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی اعلام کرد (UN Doc. S/23500, 1992: 3). برنامه توسعه ملل متحد نیز در سال ۱۹۹۴ در گزارش «توسعه انسانی» به جای بحث «امنیت بین‌المللی» به «امنیت انسانی» پرداخت (Human Development Report 1994: 24). همچنین در سال ۱۹۹۷، در آغاز «گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد» بیان شد که «امنیت باید بیشتر به عنوان امنیت مردم تعریف شود نه فقط امنیت سرزمینی؛ امنیت افراد، نه فقط امنیت ملت‌ها؛ امنیت از

1. Water Security
2. Security

طریق توسعه، نه فقط از طریق نظامی؛ امنیت همه مردم در همه جا- در خانه‌هایشان، محل‌های کار، خیابان‌ها، در جوامع و در محیط زیست» (Wouters, Vinogradov & Magsig, 2009: 101). مطابق با این دیدگاه، وقتی صحبت از امنیت به میان می‌آید منظور تنها امنیت نظامی دولت‌ها نیست بلکه امروزه انسان است که مبنای اصلی این موضوع را تشکیل می‌دهد و استقرار امنیت تنها در حدود آزادی- های اساسی انسان از جمله آزادی از قید احتیاج، آزادی از قید ترس، آزادی زندگی با کرامت و آزادی از خسارات و تهدیدهای محیطی امکان‌پذیر است (Wouters, Vinogradov & Magsig, 2009:101).

«امنیت آب» نیز اصطلاحی جدید و برگرفته از مفهوم نوین امنیت انسانی است که اگرچه در اسناد سیاست ملی و بین‌المللی کاربرد زیادی دارد؛ اما معنای دقیق و مولفه‌های هنجاری آن تا حدی مبهم است. نخستین بار «اعلامیه اجرایی دومین نشست جهانی آب» در لاهه در مارس ۲۰۰۰ چالش‌های امنیت آب در قرن ۲۱ را در هفت محور مطرح کرد: ۱. تأمین نیازهای اولیه؛ ۲. تأمین منابع غذایی؛ ۳. حمایت از اکوسیستم‌ها؛ ۴. تسهیم منابع آبی؛ ۵. مدیریت خطرها؛ ۶. ارزش‌گذاری آب؛ ۷. حاکمیت هوشمندانه بر آب (Ministerial Declaration of The Hague on Water Security in the Twenty-First Century, 2000, para. 3). این اعلامیه نخستین اظهارنظر رسمی بین‌الدولی در مورد اصطلاح امنیت آب بود.

با توجه به مفاد اعلامیه یادشده، امنیت آب را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «تأمین دسترسی ایمن مردم به مقادیر کافی از آب با کیفیت مقبول، برای امرار معاش، رفاه انسانی و توسعه اقتصادی- اجتماعی و نیز برای تضمین حمایت در برابر آلودگی‌ها و بلایای آبی و حفاظت از اکوسیستم‌ها در یک فضای صلح‌آمیز و [دارای] ثبات سیاسی» (UN Water, 2013). این اصطلاح به بیان ساده به معنای اطمینان از موجودیت منابع آبی کافی و با کیفیت و نیز دسترسی آسان به آب و ایمنی منابع و تأسیسات آبی از آسیب بلایای طبیعی و انسانی و تعارض‌های مربوط به آب است.

با دقت نظر در تعریف ارائه شده این مفهوم، از جهت اشخاص تحت شمول ناظر بر هر دو بعد امنیت آبی دولت‌ها و امنیت آبی افراد خصوصی است و نیز از منظر

قلمروی موضوعی سه بعد وجود منابع آب قابل دستیابی،^۱ دسترسی به آب،^۲ و مدیریت تعارضها در استفاده از آب^۳ را در بر می‌گیرد (Wouters, Vinogradov & Magsig, 2009:106). به این معنا که امنیت آب زمانی حاصل می‌شود که مقادیر کافی از آب سالم در طبیعت وجود داشته باشد؛ افراد و دولتها به سهولت بتوانند به آن دسترسی داشته باشند و در این زمینه با مانعی مواجه نشوند و نیز اختلافات و تعارضهای بالقوه و بالفعل به گونه‌ای مدیریت شوند که کمترین آسیب را بر کمیت و کیفیت منابع آبی و نیز بر توانایی دسترسی افراد و دولتها به آب داشته باشند.

با توجه به مباحثی که در ادامه طرح خواهد شد به طور کلی می‌توان گفت که حقوق بین‌الملل در رابطه با ایجاد امنیت آب دو وظیفه اساسی بر عهده دارد: نخستین وظیفه این است که حقوق بین‌الملل باید قواعدی در جهت تعیین حقوق و تکالیف کشورها در استفاده از منابع آبی مشترک و محدودیت‌های بهره‌برداری از آنها تنظیم کند و دومین وظیفه ناظر بر این است که این حقوق باید در جهت انجام واکنش مناسب در برابر چالش‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی، افزایش تقاضای آب و رشد جمعیت، نهادها و سازوکارهایی برای همکاری بین‌المللی پایدار بین اعضای جامعه بین‌المللی فراهم کند (Tarlock, 2008: 716). بر این اساس، تعهد به تأمین امنیت آب و چگونگی آن در گرو بررسی چگونگی متعهد شدن به عناصر سه‌گانه یاد شده است.

۲. تعهد به تأمین منابع قابل دستیابی آب در حقوق بین‌الملل

امنیت دستیابی به آب بر موجودیت منابع آب کافی و سالم برای نسل حاضر و آیندگان دلالت دارد. توزیع نامتوازن جغرافیایی منابع آب شیرین، آلوده بودن آب‌های شیرین موجود، بروز انواع بلایای طبیعی و انسانی و آسیب به زیرساخت‌های آبی و هم‌چنین ضرورت وجود منابع آب برای آیندگان، مهم‌ترین مسائل تأثیرگذار بر امنیت دستیابی به آب محسوب می‌شوند. به همین دلیل در این مبحث، راهکارهای حقوق

1. Availability of Water

2. Access to Water

3. Conflict over Water Use

بین‌الملل در ذیل عناوین فرعی مدیریت کمی منابع آب، مدیریت کیفی منابع آب، مدیریت بلایا و حفظ منابع آب برای نسل‌های آینده مطالعه خواهد شد.

۱-۲. مدیریت کمی منابع آب

با توسعه هر چه بیشتر جوامع و افزایش جمعیت، نیاز به مقادیر آب برای تأمین خواسته‌های آن‌ها افزایش می‌یابد و از طرفی منابع محدود موجود، قدرت پاسخگویی به تمامی نیازهای جدید را نداشته و در این بین ممکن است انواع مختلف کاربری دولت-ها در استفاده از آب‌های مشترک با یکدیگر دچار تعارض شود؛ به نحوی که حصول توافق در تعیین اولویت استفاده از منابع آبی ممکن نباشد. برای رفع این مشکل، تاکنون چندین نظریه در خصوص مدیریت کمی منابع آب در حقوق بین‌الملل شکل گرفته است. اولین نظریه، حاکمیت مطلق سرزمینی یا «دکترین هارمون»^۱ است. مطابق با این نظریه، هر یک از دولتی که رودخانه یا آبراه بین‌المللی در قلمروی آن‌ها جریان دارد، حق بهره‌برداری مطلق و اعمال حاکمیت کامل بر این منابع را دارند و هیچ‌گونه محدودیتی در این خصوص بر آن‌ها اعمال نمی‌شود. به دلیل افراطی و ناعادلانه بودن این نظریه به ویژه برای کشورهای پایین دستی آبراه‌ها، این دیدگاه چندان مورد توجه حقوق‌دانان و رویه دولت‌ها قرار نگرفت. پس از آن، نظریه تمامیت مطلق سرزمینی ظهور کرد که عمدتاً حقوق کشورهای پایین دست را تأمین می‌کرد. این دکترین مقرر می‌دارد جریان طبیعی آب باید بدون هیچ‌گونه تغییری در قلمروی کشورهای پایین دست جاری شود. این نظریه نیز به دلیل غیرعملی بودن رد شد (شیرازیان و خطیبی، ۱۳۹۴: ۷۶-۷۷؛ کاپونترا و نانی، ۱۳۹۲: ۳۸۵-۳۸۷). نظریه دیگر با عنوان «حاکمیت و تمامیت محدود سرزمینی» مبتنی بر این فرض است که دول هم‌جوار رودخانه یا منبع آبی مشترک، با رعایت حقوق و منافع دولت‌های دیگر، حق بهره‌برداری از منابع آبی مشترک واقع در قلمروی خود را دارند. ظهور این نظریه پلی بین دو نظریه قبلی ایجاد کرده و این واقعیت را منعکس می‌کند که منابع فرامرزی به طور دائمی به قلمروی

1. Harmon Doctrine

سرزمینی یک دولت وابسته نیستند. این نظریه دو قاعده «استفاده معقول و منصفانه» و «منع ایجاد آسیب مهم» را در برمی گیرد و بر این ایده استوار است که حاکمیت سرزمینی مشتمل بر حقوق و تکالیفی است، همان طور که دولت ها حق استفاده از منابع داخل در سرزمینشان را دارند این تکلیف نیز بر دوش آنها نهاده شده که از منابع به نحوی استفاده کنند که به حقوق دولت های دیگر آسیبی جدی وارد نشود (Leb, 2013: 50). اولین توافقنامه ای که به روشنی این نظریه را به رسمیت شناخت، کنوانسیون ژنو مربوط به توسعه نیروی آبرسانی مؤثر بر بیش از یک دولت (۱۹۲۳) بود. این کنوانسیون مقرر داشت که: «کنوانسیون حاضر به هیچ نحوی بر حق هر دولت در حدود حقوق بین الملل، به اجرای اقدامات توسعه آبرسانی در سرزمینش که آن را مطلوب توصیف می کند صدمه نمی زند» (Convention relating to the Development of Hydraulic Power affecting more than one State, 1923, Art. 1). به عبارت دیگر، حاکمیت هر دولت را محدود به قواعد حقوق بین الملل دانست. همچنین ماده ۳ طرح کمیسیون حقوق بین الملل در حقوق سفره های آبی فرامرزی (۲۰۰۸) بیان می دارد که: «هر دولت دارای سفره آب زیرزمینی بر بخشی از سفره های فرامرزی که در داخل سرزمینش قرار دارد، حاکمیت دارد. آن دولت باید حاکمیتش را مطابق با حقوق بین الملل و مواد طرح حاضر اجرا کند» (ILC, 2008, Art. 3).

این نظریه در آرای قضایی و داوری نیز به رسمیت شناخته شده است. برای مثال دیوان دائمی دادگستری بین المللی در قضیه مربوط به صلاحیت سرزمینی کمیسیون بین المللی رودخانه ادر، برابری حقوق دولتهایی که دارای منفعت حقوقی در استفاده کشتیرانی از رود هستند را پذیرفت و امتیاز ترجیحی یک دولت را انکار کرد (Case Relating to the Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder, 1929, p. 27). استدلال این رأی توسط دیوان بین المللی دادگستری در قضیه گابچیکو و ناگی ماروس^۱ نیز پذیرفته شد و دیوان در این قضیه اظهار کرد که انحراف آب توسط دولت بالادستی متناسب نبوده و دولت مجارستان را از حقوقش به سهم

1. Case concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia).

معقول و منصفانه از منابع طبیعی دانوب محروم کرده است (ICJ Rep, 1997, para. 85). نظریه بعدی، بر ایده «اجتماع منافع» مبتنی است که از آن به عنوان «مدیریت مشترک» نیز یاد می‌شود. این نظریه به جای استقلال نهادهای حاکم و دولت‌ها بر هماهنگی بین منافع مختلف آن‌ها تأکید می‌کند و بیان می‌دارد دولت‌ها نمی‌توانند عضویت خود در اجتماع کشورهای اطراف رودخانه را انکار کرده و از اجرای تعهدات مربوطه سر باز زنند، زیرا مشارکت آن‌ها با یکدیگر از طریق یک سیستم آبی مشترک، از اوصاف ماهیتی سرزمین آن‌ها است (Leb, 2013, p. 52). در این نظریه به کل حوضه رودخانه به عنوان یک کلیت واحد نگریسته می‌شود و مدیریت آن از طریق موافقت‌نامه به یک سیستم واحد متشکل از کل کشورهای حوضه واگذار می‌شود (آوریده، عطاری و عبداللهی، ۱۳۹۵: ۸۱). نظریه مدیریت مشترک بیشتر یک رویکرد مدیریتی مشکلات آبی است تا یک اصل هنجاری حقوق بین‌الملل. چنان‌که ماده ۵ (۲) کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد در استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی (Convention on the Law of the Non- Navigational Uses of International Water Courses, 1997, Art. 5(2)) فعالانه دولت‌های ساحلی را به انجام مشارکت منصفانه که ارتباط نزدیکی با استفاده معقول و منصفانه دارد، تشویق کرده است.

در نتیجه از میان نظریات مطروحه، راه‌حل فعلی حقوق بین‌الملل در مدیریت کمی آب‌ها را می‌توان از اصل کلی مندرج در ماده ۱۰ کنوانسیون آبراهه‌ها دریافت که مقرر می‌دارد هیچ‌یک از کاربری‌ها برتری ذاتی بر دیگری ندارد اما ملاک رفع تزاخم بر اساس نظریه سوم، اصل استفاده معقول و منصفانه است که با توجه به اوضاع و شرایط هر حوضه آبخیز، اولویت‌های بهره‌برداری را مشخص کرده و بین منافع دولت‌ها توازن ایجاد می‌کند و در نهایت باید به نیازهای انسانی، توجه خاصی معطوف شود (Convention on the Law of the Non- Navigational Uses of International Water Courses, 1997, Art. 10).

نمونه عملی نیاز به مدیریت کمی آب را می‌توان در مورد سدسازی‌های بی‌رویه کشورهای همسایه ایران مانند ترکیه و افغانستان مشاهده کرد. کشور ترکیه با برنامه‌ریزی و شروع به احداث پروژه عمرانی آناتولی جنوب شرقی که به اختصار

گاپ^۱ نامیده می‌شود و شامل طرح ۱۴ سد بر روی رود فرات، ۸ سد بر روی رود دجله و ۱۹ نیروگاه برق‌آبی است موجب کم شدن حجم آب رودهای دجله و فرات شده و در نتیجه دشت بین‌النهرین رطوبت خود را از دست داده و به منبعی برای تولید گرد و غبار و بیابان‌زایی در عراق، سوریه و ایران تبدیل شده است و با اتمام این پروژه مشکلات عدیده زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی از جمله کم‌آبی، گرد و غبار، خشک شدن زمین‌های کشاورزی، بیکاری و مهاجرت مردم این مناطق را به دنبال خواهد داشت. در اجرای این طرح، ترکیه با تفسیری مضیق از اصل حاکمیت مدعی است همان‌طور که منابع نفتی هر کشور متعلق به آن است، منابع آبی که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند نیز به این کشور تعلق دارند (اردو، ۱۳۹۶). حال آنکه امروزه با عرفی شدن قاعده استفاده معقول و منصفانه از منابع آبی و منع ایجاد آسیب زیست‌محیطی می‌توان اقدام ترکیه را مخالف حقوق بین‌الملل و عاملی برای ایجاد ناامنی آبی در منطقه قلمداد کرد.

علاوه بر این، اقدامات افغانستان در احداث سد و بندهای مختلف مانند سدهای کجکی، کمال خان، سلما و کبکان بر رودخانه‌های هیرمند و هریرود که بخش بزرگی از آب مورد نیاز مناطق سیستان و خراسان در شرق ایران را تأمین می‌کند می‌تواند مسائلی چون کم‌آبی، مشکلات زیست محیطی و خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها مثل دریاچه هامون، فقر و بیکاری، مهاجرت و مشکلات امنیتی داخلی و بین‌المللی را فراهم آورد (سیف‌الدینی، ۱۳۹۶). البته متقابلاً کشور ایران نیز با سدسازی در حوضه‌های آبریز دریاچه‌های ارومیه در غرب و جازموریان در شرق همین روند را در پیش گرفته است. حال آنکه پایبندی دولت‌ها به نظریه حاکمیت (تمامیت) محدود سرزمینی در چنین مواردی بسیار راهگشا بوده و نه تنها امنیت آبی بین دو کشور بلکه صلح و امنیت بین‌المللی را به ارمغان می‌آورد.

۲-۲. مدیریت کیفی منابع آبی

از آنجا که آلودگی منابع آب می‌تواند بر موجودیت و قابلیت بهره‌برداری از آب با کیفیت و سالم برای رفع نیازهای انسانی خلل وارد کند، موضوع کنترل کیفی منابع آب بخش دیگری از بعد دستیابی به آب است.

آلودگی آب مطابق ماده ۹ قواعد هلسینکی، شامل «هرگونه تغییر مضر ناشی از دخالت انسانی در ترکیب، محتوا یا کیفیت طبیعی آب‌های حوضه آبخیز بین‌المللی است» (The Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers, 1966, Art. IX).

به طور کلی، عمده‌ترین منابع آلاینده آب را می‌توان در سه دسته آلودگی ناشی از فاضلاب‌های خانگی، آلودگی ناشی از فاضلاب‌های صنعتی و شیمیایی و آلودگی هسته‌ای طبقه‌بندی کرد (کاپوئترا و نانی، ۱۳۹۲: ۴۰۶).

آلودگی وارده به منابع آبی می‌تواند پیامدهای شدیدی مانند تخریب پوشش گیاهی و جانوری، کاهش میزان آب قابل آشامیدن، تغییر تعادل موجود در آب و اثرات منفی دیگر، برجای گذارد (کاپوئترا و نانی، ۱۳۹۲: ۴۰۷). بر این اساس، در چارچوب پیشگیری، کاهش و مقابله با آلودگی آب‌ها علاوه بر اصول کلی حقوق بین‌الملل محیط زیست از جمله اصول همکاری، پیشگیری، احتیاط، منع آسیب فرامرزی، پرداخت توسط آلوده‌ساز که بر تمامی حوزه‌ها قابل اعمال هستند، اسناد متعدد الزام‌آور و غیر الزام‌آور جهانی و منطقه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند.

در سطح جهانی و منطقه‌ای، تعهد به منع آسیب فرامرزی، همکاری، اطلاع-رسانی، مشاوره، ارزیابی اثر زیست محیطی، ایجاد نهادهای همکاری بین‌المللی، در قواعد هلسینکی ۱۹۶۶، قواعد برلین ۲۰۰۴، کنوانسیون استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی، طرح ۲۰۰۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص سفره‌های آبی زیرزمینی و توافقنامه‌های دو یا چندجانبه آبی منطقه‌ای تجلی یافته است.

علاوه بر کنوانسیون‌های خاص آبی، به دلیل تأثیر آلودگی آب بر تنوع زیستی و ارتباط آلودگی آب‌ها با تغییرات آب و هوایی اسناد متعدد مربوط به تنوع زیستی، تغییرات آب و هوایی، مقابله با بیابان‌زایی و دیگر موضوعات مرتبط نیز می‌توانند در

متعهد شدن دولت‌ها به حفظ کیفیت منابع آبی کاربردی باشند. به علاوه، آرای داوری و قضایی بین‌المللی نیز در تفسیر و بیان منبع برخی از تعهدات محیط زیستی بسیار مؤثر عمل کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به قضیه داوری تریل اسملتر، رأی داوری دریاچه لانو، رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکوو ناگی ماروس، کارخانه‌های خمیر کاغذ و قضیه ساخت جاده در طول رود سن خوان اشاره کرد که اصول و قواعد پایه‌ای حقوق بین‌الملل محیط زیست مانند اصل منع آسیب فرامرزی، احتیاط، اطلاع رسانی و تعهد به ارزیابی اثر زیست محیطی را مطرح کرده‌اند.^۱

۲-۳. مدیریت بحران‌ها و بلایای آبی

امنیت آب و بلایا به طور متقابل به یکدیگر مرتبط‌اند و این ارتباط متقابل در سه سطح متصور است. از یک سو، برخی بلایا مثل سیلاب‌ها و خشک‌سالی‌ها در اثر افزایش یا کاهش چشمگیر مقادیر آب ایجاد می‌شوند و از سوی دیگر ناامنی آبی خود می‌تواند تحت شرایطی منجر به ایجاد یک بحران (بلا) شود و از دیگر سو، بروز بلایای طبیعی و انسانی، به دلیل تخریب زیرساخت‌های آبی مانند آسیب به تصفیه‌خانه‌ها و خطوط لوله انتقال آب، ابعاد مختلفی از امنیت آبی، مانند میزان دسترسی به آب موجود برای افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Phan & Winkler, 2016: 298-303). در نتیجه، داشتن سیستم‌های آبی ایمن از خطر بلایا، بعد دیگری از امنیت دستیابی به آب را تشکیل می‌دهد. وقوع بلایای آبی مثل سیلاب‌ها موجب ایجاد صدمات جانی و مالی شده و مدیریت آن‌ها امروزه به عنوان یکی از عوامل مهم در کاهش فقر و تأمین اهداف توسعه هزاره قلمداد می‌شود (Rieu-Clarke, 2008: 649). خشک‌سالی ناشی از بارش کم باران در مدت‌های طویل نیز منجر به کمبود منابع آب قابل دستیابی می‌شود. در این

1. See: Trail Smelter Case (United States, Canada), Reports of International Arbitral Awards, Vol III, 1938 and 1941; Lake Lanoux Arbitration (France v. Spain), 12 R.I.A.A. 281; 24 I.L.R. 101, Arbitral Tribunal, 1957; Gabcikovo- Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgement, I.C.J. Reports 1997; Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010; Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015.

حالت، علاوه بر عوامل طبیعی، مواردی چون چراندن بیش از حد دام‌ها، استفاده نادرست از زمین، جنگل‌زدایی، توسعه شهری و تغییرات آب و هوایی ناشی از فعالیت انسان، منجر به تخریب و فرسایش خاک و تشدید خشک‌سالی می‌شود و به این ترتیب امنیت آبی و غذایی انسان‌ها را تهدید می‌کند (Phan & Winkler, 2016: 299).

اگرچه تا به حال هیچ تعریف جامع و مانعی از «بحران» یا به اصطلاح ساده‌تر «بلا»^۱ ارائه نشده است اما کمیسیون حقوق بین‌الملل در «پیش‌نویس مواد مربوط به حمایت از افراد در هنگام بروز بلایا» در سال ۲۰۱۶، «بحران (بلا) را به عنوان یک واقعه یا مجموعه‌ای از وقایع مصیبت‌بار که منجر به زیان گسترده به حیات، رنج و اندوه انسانی زیاد، آوارگی توده‌ای از مردم، خسارت مادی و زیست محیطی با مقیاس بزرگ می‌شود که به وسیله آن عملکرد جامعه به طور جدی مختل می‌شود» تعریف کرده است (ILC, 2016, Art. 3(a)).

هم‌چنین جامعه بین‌المللی در روند تلاش‌های خود هنوز نتوانسته مجموعه قواعد الزام‌آور جامعی که مشخص‌کننده رژیم حقوقی خاص حاکم بر بلایا باشد، تدوین کند و آنچه مطرح شده بیشتر در حوزه حقوق نرم بوده است.^۲ با این حال، قواعد و مقررات چندی از سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل می‌توانند در متعهد کردن کنشگران بین‌المللی به مدیریت، کنترل و کاهش اثرات بلایای آبی مؤثر باشند.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه ایجاد عمدی سیلاب‌ها، به قحطی کشاندن جمعیت غیرنظامی و حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک مانند سد‌ها و آب‌بند‌ها را ممنوع اعلام کرده و حقوق بین‌الملل کیفری ارتکاب چنین اعمالی را جنایت جنگی می‌داند (Rome Statute of the International Criminal Court, 1998: Art. 8(2)). قواعد مرتبط با حقوق بین‌الملل آب در اسناد متعدد از جمله کنوانسیون آبراهه‌های سازمان ملل، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۸، قواعد هلسنیکی ۱۹۶۶، قواعد برلین ۲۰۰۴

1. Disaster

2. Such as: The Sendai Framework for Disaster Risk Reduction 2015–2030, UN Doc. A/CONF.224/ CRP.1 (18 March 2015) (Sendai Framework), Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development, GA Res. 70/1(21 October 2015), Goal 11 (11.5) and Goal 13.

و اسناد منطقه‌ای دو و چندجانبه مربوط به حوضه‌های رودهای خاص، تعهداتی چون استفاده معقول و منصفانه، منع آسیب فرامرزی، اطلاع رسانی، هماهنگی طرح‌های احتمالی آینده، پیشگیری و کاهش اثرات وضعیت‌های اضطراری، همکاری، تبادل داده‌ها و اطلاعات، انجام اقدامات لازم برای پیشگیری، حذف و کاهش شرایط آبی زیان‌بار و ایجاد کمیسیون‌های مشترک برای تأمین اهداف مذکور را مقرر می‌کنند.

مقررات زیست محیطی مربوط به پیشگیری و مقابله با تغییرات آب و هوایی در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل (ریو) ۱۹۹۲، (UNFCCC, 1992: Art. 4(1)(e))، پروتکل کیوتو (۱۹۹۷) (Kyoto Protocol, 1997: Art. 3) و توافقنامه پاریس (۲۰۱۵) (Paris Agreement, 2015, Arts. 7(2), 5, 6) تکالیفی را در جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بر عهده دولت‌ها به ویژه دولت‌های صنعتی، با استناد به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت قرار می‌دهد. هم‌چنین اسناد مربوط به مقابله با بیابان‌زایی از جمله کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی^۱ می‌تواند در پیشگیری از بلایای مربوط به آب مؤثر باشند.

اصول عام حقوق بین‌الملل محیط زیست مانند اصل منع آسیب فرامرزی، پیشگیری، همکاری و احتیاط، نیز بر این حوزه اعمال می‌شوند.

به علاوه کاهش دستیابی به آب در اثر بلایا، می‌تواند منجر به ایجاد پدیده آوارگان زیست محیطی شود که خود چالشی مضاعف بر صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌شود. با توجه به اینکه آوارگان زیست محیطی داخلی تحت شمول کنوانسیون ۱۹۵۱ سازمان ملل برای پناهندگان قرار نمی‌گیرند، (Convention relating to the Status of Refugees, 1951: Art. 1A(2)) اداره هماهنگی امور بشردوستانه سندی غیر الزام‌آور در این حیطه با عنوان اصول راهنمای آوارگان داخلی ۱۹۹۸^۲ را ایجاد کرده است. اسناد منطقه‌ای چندی نیز به حمایت از آوارگان داخلی اختصاص یافته است اما به دلیل

1. United Nations Convention to Combat Desertification in those Countries Experiencing Serious Drought and/or Desertification, Particularly in Africa, 1994.

2. UN Office for the Coordination of Humanitarian Affairs, "Guiding Principles on Internal Displacement of 1998".

افزایش روزافزون این دسته آوارگان نیاز است کنوانسیون به طور خاص به این موضوع بپردازد.

با نظر به تحت تأثیر قرار گرفتن شرایط حیات پس از ایجاد بلایا، ضرورت فراهم کردن ملزومات حقوق بشری برای افراد آسیب‌دیده از جمله تأمین آب و غذای کافی، امکانات بهداشتی و حداقل استانداردهای زندگی، این حیطه را به موضوع حقوق بین‌الملل بشر پیوند می‌دهد.

۲-۴. حفظ منابع آبی برای نسل‌های آینده

آخرین موضوع مرتبط به بحث دستیابی به آب، حفظ منابع آبی برای آیندگان در پرتو اصل توسعه پایدار است. مفهوم توسعه پایدار بر مبنای آگاهی از ضرورت حفظ تعادل میان نیازهای انسانی و حفظ محیط طبیعی شکل گرفته است. این مفهوم صلاحیت کشورها در مدیریت توسعه خود را با محدودیت مواجه می‌سازد. در مفهوم دقیق، توسعه پایدار ناظر بر آن است که عملیات توسعه‌ای باید به گونه‌ای باشد که نیازهای نسل حاضر را برآورده سازد بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در برآورده سازی نیازهایشان به خطر اندازد. (WCED, 1987, pp. Part I, Chapter II) در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رویکرد توسعه پایدار به عرصه حقوق بین‌الملل آب‌ها نیز ورود پیدا کرد (Kuokkanen, 2017: 12). مفهوم توسعه پایدار در این حوزه بر مصرف آب با ملاحظه توان نهایی طبیعت و نیازهای واقعی امروز و آینده انسان‌ها دلالت دارد. در نتیجه این اصل باید از منابع آبی به نحوی استفاده شود که عناصر سه‌گانه توسعه پایدار یعنی استفاده بهینه (عنصر اقتصادی)، توزیع عادلانه (عنصر اجتماعی) و تضمین پایداری (عنصر زیست محیطی) حفظ شود (فریادی، ۱۳۹۷: ۱۶۹). علاوه بر اسناد زیست محیطی مانند دستور کار ۲۱ و اعلامیه ریو و بسیاری از کنوانسیون‌های زیست محیطی، اسناد مربوط به حقوق بین‌الملل آب‌ها مانند کنوانسیون استفاده غیر کشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی (۱۹۹۷)، کنوانسیون هلسینکی (۱۹۹۲)، کنوانسیون‌های منطقه‌ای حاکم بر رودهای دانوب، راین، مکونگ و دیگر اسناد منطقه‌ای این مفهوم را مدنظر قرار داده‌اند.

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه گابچیکوو ناگی ماروس به توسعه پایدار توجه کرد (ICJ Rep, 1997: para. 139) و امروزه می‌توان آن را به عنوان یکی از اصول پایه‌ای حقوق بین‌الملل محیط زیست در نظر آورد که می‌تواند به حصول امنیت آب کمک کند، زیرا موجودیت منابع آبی کافی و سالم برای نسل حاضر به تنهایی برای تأمین امنیت آب کفایت نمی‌کند بلکه برای تحقق این هدف باید وجود منابع آب کافی و سالم برای آیندگان نیز تضمین شود. بر این اساس، تأمین امنیت آب با مفهوم توسعه پایدار مرتبط می‌شود. چنان‌که تضمین دستیابی و مدیریت پایدار آب و تأسیسات بهداشتی برای همه امروزه به عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار در سند «تغییر جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید (A/Res/70/1, 2015, Goal. 6). تحقق این هدف از طریق فراهم کردن دسترسی به آب آشامیدنی برای همه، ارتقای کیفیت آب از طریق کاهش آلودگی، کاهش حجم فاضلاب‌های تصفیه نشده، بازیافت و استفاده مجدد از آن‌ها، اجرای مدیریت منابع آبی در کلیه سطوح به ویژه از طریق همکاری بین‌المللی، افزایش بهره‌وری استفاده از آب، فراهم کردن آب شیرین برای مقابله با کم‌آبی و کاهش مردمی که از بی‌آبی در رنج هستند، حمایت از اکوسیستم‌های آبی، افزایش همکاری بین‌المللی و ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه در مورد فعالیت‌ها و برنامه‌های مرتبط به آب و حمایت و تقویت مشارکت جوامع محلی در ارتقای مدیریت آب و فاضلاب حاصل می‌شود (A/Res/70/1, 2015, pp. 18-19). برای عملی ساختن این توصیه‌ها، دولتها باید با توجه به اصل استفاده معقول و منصفانه از منابع آبی، اصل همکاری و کمک به یکدیگر در مدیریت منابع آبی، انتقال تکنولوژی، پیشگیری و تلاش در رفع آسیب‌های زیست محیطی، انجام تعهد مسئولیت مشترک و متفاوت، زیرساخت‌های قانونی و اجرایی مناسب را در سطوح داخلی و بین‌المللی فراهم کنند.

۳. تعهد به تأمین دسترسی به آب در حقوق بین‌الملل

عنصر دوم امنیت آب، تأمین دسترسی افراد و دولتها به آب است. به این معنی

که دولت‌ها و کنشگران غیردولتی بتوانند به آب مورد نیاز خود به سهولت دسترسی پیدا کرده و عوامل خارجی اعم از مداخله دولت‌ها و افراد دیگر و یا بهای گزاف آب و نظایر آن در این خصوص مانعی ایجاد نکند. دسترسی افراد به آب در حقوق بین‌الملل در قالب حق انسان به آب آشامیدنی سالم نمود یافته است. این حق یکی از حقوق مهم انسانی است، زیرا بدون آن دیگر حقوق بشری مانند حق حیات، حق بر غذا، حق بر بهداشت، حق بر دسترسی به استانداردهای مناسب زندگی و حق بر محیط زیست سالم قابلیت اجرا ندارد یا اجرای آن‌ها به سختی امکان‌پذیر است. حق بر آب به عنوان «حق همه افراد بشر، بدون تبعیض از حیث جنسیت، نژاد، زبان و غیر آن، بر دسترسی به میزان کافی آب آشامیدنی که از جهت کیفی قابل استفاده برای برآورده ساختن نیازهای اساسی انسان (آشامیدن و غذا) باشد؛ به نحوی که دستیابی به آن مستلزم تحمل مشقت و سختی غیرمتعارف، خواه از جهت فیزیکی و خواه از نظر هزینه نباشد» (صفری‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۵-۱۰۴) تعریف می‌شود. اگرچه این حق در اعلامیه حقوق بشر و میثاقین به صراحت ذکر نشده است اما در سال ۲۰۱۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضمن یادآوری برخی از قطعنامه‌های شورای حقوق بشر از جمله قطعنامه ۷/۲۲ (۲۰۰۸) و ۱۲/۸ (۲۰۰۹) و نیز نظریه شماره ۱۵ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر اسناد مرتبط، بدون رأی منفی، حق بر آب آشامیدنی سالم و پاک را به عنوان یک حق بشری که برای اجرای دیگر حقوق بشر بسیار مهم است شناسایی کرد (UN Doc. A/RES/64/292, 2010). بنابراین، می‌توان ادعا کرد روند شناسایی حق بر آب به عنوان حقی مستقل در حقوق بین‌الملل آغاز شده است و اگر با رویکرد احتیاطی به این موضوع بنگریم حداقل رعایت این حق بخش مهمی از حقوق به رسمیت شناخته شده مثل حق بر استانداردهای زندگی، حق حیات، حق بر بهداشت، حق بر محیط زیست سالم و حق بر مسکن را تشکیل می‌دهد. رویکرد نظریه تفسیری شماره ۱۵ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نیز بر این مبنا استوار است که توجیه وجود حق به آب را بر پایه حقوق به رسمیت شناخته شده در اسناد حقوق بشری قرار دهد. به این معنی که شناسایی حق به آب شرط لازم تحقق شماری از حقوق مثل حق حیات، حق

بر استانداردهای مناسب زندگی، حق بهداشت و حق به غذا است (E/C.12/2002/11, 2003, paras. 1-9). شناسایی حق به آب به عنوان یک حق فردی که نتیجه آن عدم مداخله دولت در دسترسی آزادانه شهروندان به آب است و اصل حاکمیت دولت بر منابع طبیعی ممکن است موجب ایجاد ابهاماتی شود. به ویژه در کشورهایی مانند ایران که آب یک کالای عمومی و در اختیار دولت است، ممکن است این‌طور برداشت شود که عمومی تلقی کردن آب و مداخله دولت در توزیع آن، با حق انسان‌ها نسبت به آب در تضاد است؛ اما با توجه به تعهدات دولت‌ها در تأمین حق بر آب می‌توان این ابهام را برطرف کرد، زیرا در حقوق بین‌الملل بشر، دولت‌ها در راستای تأمین حق بر آب دارای سه تعهد هستند: اولین تعهد، تعهد به احترام و شناسایی است. بر این اساس دولت‌ها موظف هستند از دخالت مستقیم یا غیرمستقیم در ممانعت از بهره‌مندی افراد از حق بر آب خودداری کنند. نوع دوم از تعهد، تعهد صیانت است که ایفای آن در گرو جلوگیری دولت‌ها از مداخلات اشخاص ثالث در بهره‌مندی افراد از این حق است و از طریق اتخاذ اقدامات ضروری، مؤثر و قانونی برای مقابله با این مداخلات صورت می‌گیرد. سومین نوع تعهد، تعهد به تحقق یا اجرا است که مستلزم اقدامات ایجابی دولت‌ها در جهت بهره‌مندی همگان از حق به آب است که شامل صیانت از منابع آب، اجرای روش‌های مصرف بهینه آب، مدیریت یکپارچه آب، ایجاد تأسیسات آب‌رسانی و تضمین اینکه آب به قیمتی مقرون به صرفه در اختیار شهروندان قرار گیرد (E/C.12/2002/11, 2003, paras. 20-29)؛ بنابراین، می‌توان گفت با توجه به محدودیت منابع آبی و لزوم بهره‌مندی عادلانه همه شهروندان از این ماده حیاتی و نیز با تأمل در این مسئله که هدف حقوق عمومی کسب بیشترین منفعت برای بیشترین تعداد اشخاص است، اصولی چون لزوم برابری همه افراد در بهره‌مندی از منابع طبیعی محدود، اصل منفعت عمومی، اصل اقتدار دولت و به ویژه اصل لزوم برقراری امنیت، مستلزم دخالت دولت در توزیع عادلانه آب در بین شهروندان خود است (فریادی، ۱۳۹۷: ۱۸۶-۱۷۳) و نه تنها این دخالت مانع دسترسی شهروندان به آب نمی‌شود بلکه در تحقق بهتر این بعد از امنیت آب بسیار مؤثر است. به علاوه، باید به این نکته توجه داشت که به دلیل

ارتباط تنگاتنگ میان حق به آب و برخی حقوق بنیادین بشری مثل حق حیات، تعهد دولت‌ها در فراهم کردن آب آشامیدنی سالم برای مردمان خود از نوع تعهد به نتیجه است؛ اما اگر به این حق، در مواردی جز آشامیدن، به عنوان مصداقی مستقل از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و یا شرط لازم تأمین برخی از مصداق این دسته از حقوق مثل حق به استانداردهای مناسب زندگی نگریسته شود، با توجه به مفاد ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظریه تفسیری شماره ۱۵ کمیته، چنانچه دولتی به دلیل کمبود منابع ناتوان از ایفای کامل این حق باشد، بار اثبات به‌کارگیری تمامی اقدامات ضروری برای بهره‌گیری از منابع، بر عهده آن دولت است؛ یعنی تعهد دولت در جهت اجرای حق مردم سرزمین خود به آب برای تأمین نیازهای ثانویه از نوع تعهد به وسیله است (E/C.12/2002/11, 2003, para. 41). هم‌چنین با استناد به متن ماده ۲(۱) میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان گفت که تعهد به وسیله و تدریجی الحصول بودن تعهدات میثاق تنها مربوط به اجرای «کامل»^۱ مصداق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است اما این ویژگی نمی‌تواند دولت‌ها را از حداقل «تعهدات اصلی و هسته‌ای»^۲ یعنی حداقل نیازهای ضروری آن مصداق که حق به آب و غذا یکی از آنهاست رها سازد (Aronsson- Storrier, 2017: 519). در نتیجه، فرض بر این است که روند تکاملی حقوق بین‌الملل در شناسایی حق به آب و تعهد دولت‌ها به فراهم کردن دسترسی منصفانه همه شهروندان به آب و عدم مداخله تبعیض‌آمیز در تحقق این حق به ویژه در شرایط بحران آب می‌تواند مسیر نیل به امنیت آب را تسهیل کند.

بعد دیگر دسترسی به آب، حق دولت‌ها در دسترسی به آب است که با قاعده ماهوی استفاده معقول و منصفانه پیوند دارد. این قاعده دو وظیفه کلیدی بر عهده دارد: نخست میزان قانونی بودن کاربری‌های رو به افزایش از آبراه‌های بین‌المللی را تعیین می‌کند و دوم برای صدور مجوز استفاده، لازم می‌دارد که همه مولفه‌های مربوطه و

1. Full Realization

2. Core Obligations

شرایط حوضه آبریز مورد توجه قرار گیرند (Wouters, Vinogradov & Magsig, 2009).
 (116) برای این منظور، کنوانسیون آبراهه‌های سازمان ملل فهرست غیر جامعی از
 فاکتورهایی را که در هر حوضه آبریز باید تحت نظر قرار گیرد تعیین کرده است
 (Convention on the Law of the Non- Navigational Uses of International Water
 Courses, 1997: Art. 6). همه این معیارها از نظر ارزش اثرگذاری برابر هستند اگرچه
 ممکن است در مواردی، تقدمی بر استفاده از منابع آبی، برای تأمین نیازهای ضروری
 انسانی و احتیاجات زیست محیطی مهم قائل شد (Wouters, Vinogradov & Magsig, 2009).
 (116) در نتیجه مطابق قاعده استفاده معقول و منصفانه، هیچ دولتی حق ندارد از
 منبع آبی مشترک به نحوی استفاده کند که موجب ایراد آسیب به سرزمین کشور دیگر
 شود یا این استفاده‌ها به نحوی باشد که موجب بی‌بهره ماندن کامل دولت دیگر از منبع
 آبی مشترک شود. چنانکه در قسمت اول اشاره شد، این قاعده در تعداد بسیاری از
 موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، اسناد غیر الزام‌آور مربوط به آب و رویه قضایی
 پذیرفته شده است و طرز عمل دولت‌ها حکایت از عرفی شدن آن دارد.

۴. تعهد به مدیریت و رفع تعارض‌ها بر سر استفاده از آب

موضوع دیگر در حیطه امنیت آب، بحث تعارض‌ها پیرامون آب است که قواعد
 آن در سه بخش پیش از مخاصمه یعنی در زمان صلح، در حین مخاصمه و پس از
 مخاصمه قابل بررسی است.

۴-۱. مدیریت تعارض‌های آبی در زمان صلح

آب می‌تواند یکی از عناصر ایجادکننده تعارض‌های بین‌المللی باشد. تعارض‌های
 بین‌المللی ممکن است در دو شکل عمده اختلافات بین‌المللی و یا مخاصمات مسلحانه
 بروز کنند. اختلافات بین‌المللی، خود یکی از عوامل نابسامانی در عرصه بین‌المللی
 تلقی می‌شوند و در مواردی نیز زمینه‌ساز ایجاد مخاصمات مسلحانه هستند. از این رو،
 منشور سازمان ملل رسیدن به هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را در گرو به

کارگیری اصولی مانند اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی قرار داده - است (Charter of United Nations, 1945: Art. 2(3)) که به زعم اکثر حقوق‌دانان، این اصل مکمل اصل منع تهدید یا توسل به زور است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۵۰۱) و می‌تواند یکی از راهکارهای مناسب سیستم حقوقی بین‌المللی در جهت پیشگیری از تعارض‌های بین‌المللی قلمداد شود.

آب از جمله عناصر مهم در توسعه و پیشرفت دولت‌ها و نیز در بقای زندگی انسان‌ها تلقی می‌شود و همه کنشگران دولتی و غیردولتی همواره تلاش می‌کنند سهم خود را از آب‌های موجود افزایش دهند. در نتیجه امکان بروز اختلافات بین‌المللی بین افراد با یکدیگر، دولت‌ها با یکدیگر و دولت‌ها با کنشگران غیردولتی امری غیر قابل انکار است.

موضوع اختلافات افراد بر سر استفاده از آب از حوزه حقوق بین‌الملل عمومی خارج می‌شود و باید در محاکم داخلی دولت‌ها مورد رسیدگی قرار گیرد؛ اما حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین دولت‌ها با یکدیگر و دولت‌ها با کنشگران غیردولتی از مسائلی است که حقوق بین‌الملل عمومی آن را پیش‌بینی و سازوکارهایی را برای این منظور ایجاد کرده است (De Chazournes, 2013: 197-247). فصل ششم منشور سازمان ملل متحد با عنوان حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی مقررات عامی در این خصوص وضع و روش‌های سیاسی و حقوقی حل و فصل اختلافات بین‌المللی اعم از مذاکره، تحقیق، میانجی‌گری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی، توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای و نیز ارجاع اختلاف به مجمع عمومی و شورای امنیت را مقرر کرده - است (Charter of United Nations, 1945: Chapter. VI). این‌گونه روش‌های پیش‌بینی شده در منشور به موضوع خاصی محدود نیستند و در نتیجه شامل اختلافات آبی نیز می‌شوند. به علاوه، دولت‌ها در ضمن انعقاد برخی موافقت‌نامه‌های مربوط به آب در سطح جهانی و منطقه‌ای یک یا چند مورد از این روش‌ها را جهت حل و فصل اختلافات احتمالی پیش‌بینی کرده‌اند و یا کمیسیون‌های خاصی را با این هدف تأسیس کرده‌اند. برخی رویه‌های خاص مانند روش‌های حل و فصل پیش‌بینی شده در سازمان

جهانی تجارت، توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) و دیوان دادگستری اروپایی نیز می‌توانند در حل و فصل موضوعات مرتبط به مسائل آبی تحت صلاحیت خود کارا باشند.

اختلافات آبی بین دولتها و کنشگران غیردولتی عمدتاً در حوزه حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد (De Chazournes, 2013: 218). از جمله سازوکارهای در دسترس افراد در حوزه سرمایه‌گذاری، نهاد ایکسید است. در حوزه حقوق بشر نیز در برخی موارد به افراد امکان طرح دعوا در نهادهای سازمان ملل متحد یا نهادهای منطقه‌ای حقوق بشر مثل کمیته حقوق بشر، دادگاه اروپایی حقوق بشر، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردمان و دادگاه آمریکایی حقوق بشر داده شده است.

با وجود این، به دلیل اهمیت مسائل آبی و ضرورت رسیدگی سریع و تخصصی، طرح ایجاد یک دادگاه تخصصی در زمینه مسائل آبی بین‌المللی و یا ایجاد شعبه‌ای در موضوع آب در نهادهای موجود می‌تواند راهگشا باشد.

افزون بر موضوع حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، ایجاد همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در خصوص بهره‌برداری و حفاظت از منابع آبی فرامرزی به طرق مختلف، از دیگر روش‌های مورد توجه حقوق بین‌الملل به منظور پیشگیری از تعارض‌های آبی است که ایجاد همبستگی و روابط دوستانه بین کنشگران عرصه بین‌المللی را نتیجه می‌دهد و قادر است دستیابی به امنیت آبی را تسهیل کند. تعهد به همکاری علاوه بر اینکه یکی از اصول مهم حقوق بین‌الملل محیط زیست است، در منشور سازمان ملل متحد و دیگر اسناد مربوط به حقوق بین‌الملل آب درج شده است.

۲-۴. مدیریت تعارض‌های آبی در مخاصمات مسلحانه

آب در خلال مخاصمات مسلحانه نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، زیرا آب و تأسیسات آبی هم به عنوان قربانی، هدف حملات نظامی قرار می‌گیرد و هم طرفین مخاصمه می‌توانند از آب به عنوان تاکتیک و سلاح جنگی به شکل تخریب

تأسیسات آبی، قطع لوله‌ها و کانال‌های آبرسانی، مسموم سازی و آلوده کردن آب، تغییر مسیر آب جهت اهداف نظامی و یا از بین بردن حداقل شرایط لازم برای بقا استفاده کنند (کاپونترا و نانی، ۱۳۹۲: ۴۱۶-۴۱۵).

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه قواعد صریح و مستقیم اندکی به موضوع آب اختصاص یافته است؛ اما اصول و قواعد عام حقوق بشردوستانه مثل اصل محدودیت روش‌ها و ابزار جنگ و نامحدود نبودن استفاده از سلاح‌های مخرب از جمله مواردی است که می‌تواند در این زمینه مورد بهره‌برداری قرار گیرد و بر اساس آن، استفاده‌های زیان‌بار از آب مانند انهدام سدها و یا تغییر مسیر رودخانه‌ها که منجر به نقض اصول تفکیک، تناسب و ضرورت می‌شود ممنوع خواهد بود (فهمی و مشهدی، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

بر مبنای همین اصل، ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک از جمله سدها و آب‌بندها از قواعد مهم کنوانسیون‌های ژنو در این زمینه است (Protocol I, 1977, Art. 56). هم‌چنین به موجب اصل تفکیک، آب و منابع آبی تا زمانی که منبعی برای بقای جمعیت غیرنظامی باشند، نباید به عنوان اهداف نظامی مورد حمله قرار گیرند (Protocol I, 1977: Art. 52(1)). مضاف بر این، حق دسترسی به آب آشامیدنی سالم، به عنوان یک حق بشری، در خلال جنگ هم باید رعایت شود و ضمن تحمیل تعهد منفی منع آسیب به منابع و تأسیسات آب، تعهد مثبتی در جهت فراهم کردن آب آشامیدنی سالم بر عهده متخاصمین و نهادهای مسئول مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ قرار می‌دهد. به همین دلیل تأمین آب برای مردم غیرنظامی، افراد بازداشت‌شده، اسرا (Geneva Convention (III), 1949: Arts. 20(2), 26(2), 29(3), 46(3)) و نیز منع به قحطی کشاندن جمعیت غیرنظامی از طریق آسیب به منابع و تأسیسات آبی و آبیاری در هر دو نوع مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی در اسناد ژنو درج شده است (Protocol II, 1977: Art. 14) (Protocol I, 1977: Art. 54(2)) این مقرر به همراه تعهد به حمایت از اشیای لازم برای حیات انسانی، امروزه از ماهیتی عرفی برخوردارند و از این جهت بر کلیه اعضای جامعه بین‌المللی لازم‌الرعايه هستند (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005: rules. 7, 8, 14).

حمایت عام از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه که در بند ۳ ماده ۳۵ و بند ۱ ماده ۵۵ پروتکل اول مورد توجه قرار گرفته است (Protocol I, 1977: Arts. 35(3), (1) 55 متخاصمین را از انجام اقداماتی که آسیب گسترده، طولانی و شدید بر محیط زیست وارد می‌کند، منع کرده و چون آب از عناصر مهم محیط زیست است، این قاعده در جهت حفظ امنیت زیست محیطی آب در خلال مخاصمات مسلحانه اهمیت دارد. کنوانسیون ملل متحد راجع به ممنوعیت توسل به تکنیک‌های اصلاح زیست محیطی نظامی و غیرنظامی (انمود) ۱۹۷۶^۱ هم از اسناد مهمی است که استفاده از تکنیک‌هایی که محیط زیست را به یک «سلاح» مبدل می‌سازد ممنوع می‌کند (ENMOD Convention, 1976). بنابراین برخی از قواعد حقوق بین‌الملل موضوعه، در حمایت از منابع آبی در مخاصمات مسلحانه و ضرورت فراهم کردن آب کافی و سالم برای غیرنظامیان، تعهدات الزام‌آوری را بر متخاصمین اعمال داشته و از این جهت در حصول امنیت آبی نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

۴-۳. مدیریت تعارض‌های آبی پس از مخاصمات مسلحانه

پس از اتمام مخاصمات فعال نیز بازگشت به حاکمیت قانون و صلح پایدار مسئله‌ای چالش‌برانگیز است که می‌تواند بر امنیت آبی تأثیرگذار باشد. قلمروی فعالیت‌های مورد بررسی در این حوزه شامل دو موضوع اصلی بازسازی پس از جنگ (مانند بازسازی تأسیسات آبرسانی و تأمین آب آشامیدنی برای مردم مناطق جنگ‌زده) و جبران خسارت می‌شود. مقررات و چارچوب حقوقی برای دوره پس از جنگ به حد کافی توسعه یافته نیست. با این حال، قواعد و سازوکارهایی از حقوق بین‌الملل می‌تواند بر این مهم حاکم باشد.^۲

در موضوع بازسازی، ارائه کمک بشردوستانه به مردم سرزمین‌های آسیب دیده از

1. Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques (ENMOD Convention), 1976.

2. See: Resolution "Strengthening Legal Protection for Victims of Armed Conflicts", 31st International Conference of the Red Cross and Red Crescent, (28 November–1 December 2011), p. 18.

مهم‌ترین ملزومات در حین و پس از مخاصمات مسلحانه است. یکی از موارد تحت شمول این موضوع، تعهد به فراهم کردن منابع آبی مورد نیاز برای مردم آسیب دیده در مناطق جنگی است. این وظیفه در ابتدا بر عهده دولت حاکمی است که جنگ در سرزمین آن بروز کرده است و در صورت عدم توانایی، آن کشور موظف به قبول پیشنهاد کمک از سوی نهادهای بین‌المللی مربوطه مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و در مواردی دولت‌های ثالث است. حمایت از کارکنان ارائه دهنده کمک‌های بشردوستانه از جمله مهندسانی که مسئول تعمیر تأسیسات و لوله‌های آبی هستند نیز از ملزومات در حین و پس از مخاصمات است (Tignino, 2016: 91-92) و حمله به چنین افرادی در حقوق بین‌الملل کیفری در ذیل جنایت جنگی جرم‌انگاری شده است (Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, Arts. 8(2)(b)(iii), 8(2)(e)(iii)).

از جمله نهادهای بین‌المللی که در امر بازسازی پس از مخاصمات، نقش مهمی در تأمین و تضمین دسترسی به آب در طول و پس از مخاصمات مسلحانه عهده‌دار است، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است. این سازمان با تأسیس نهاد «آب و سکونتگاه»^۱ در دهه ۱۹۸۰ این مسئولیت را نهادینه کرد. فعالیت‌های کمیته در این امر، نه تنها وضعیت‌های اضطراری را پوشش می‌دهد بلکه فعالیت‌های طولانی‌مدت مثل تأمین آب و تعمیر تأسیسات آبی، آب‌رسانی به مناطق شهری و روستایی و پیشگیری از بیماری‌های واگیردار مرتبط به آب را نیز در برمی‌گیرد. در انجام این فعالیت‌ها کمیته از کمک دیگر سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی مانند یونیسف و کمیساریای عالی سازمان ملل برای امور پناهندگان بهره‌مند می‌شود (Tignino, 2016: 92).

از دیگر تعهدات مهم در حوزه بازسازی، ضرورت انجام ارزیابی‌های زیست محیطی از خسارات ناشی از مخاصمات به محیط زیست است که معمولاً پس از اتمام مخاصمات صورت می‌گیرد و باید اقداماتی در جهت رفع آثار زیست محیطی وارده انجام شود (Tignino, 2016: 93).

برخی از قواعد و مقررات ناظر بر خلع سلاح نیز می‌تواند به پیشگیری، کاهش و

پاک‌سازی آسیب‌های زیست محیطی از جمله نسبت به منابع آبی مؤثر باشد. قواعد مندرج در پروتکل دوم ۱۹۹۶ در مورد ممنوعیت و محدودیت استفاده از مین و تله‌های انفجاری به کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های متعارف، (Protocol II on Prohibitions or Restrictions on the Uses of Mines, Booby-Traps and Other Devices, to 1980 convention, 1996: Art. 3.2) کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید، انباشت و ذخیره سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳، (Chemical Weapons Convention, 1993: Art. 3) پروتکل پنجم (۲۰۰۳) بقایای انفجاری ناشی از جنگ، (Protocol V on Explosive Remnants of War to 1980 convention, 2003: Art. 9) کنوانسیون سلاح‌های خوشه‌ای (Convention on Cluster Munitions, 2008: Art. 5) و... تعهدات مربوط به پاک‌سازی و انهدام و منع استفاده از سلاح‌های مخرب زیست محیطی را در طول و پس از مخاصمات مطرح می‌کنند.

در حیطه جبران خسارت، سازوکارهای پیش‌بینی شده در حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل کیفری از جمله جرم‌انگاری جرائم مربوط به آب در مخاصمات و رسیدگی به آن‌ها در دیوان‌های بین‌المللی کیفری و نیز مراجعه افراد آسیب‌دیده از جنگ به نهادهای جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر و طرح دعوا در آن‌ها، می‌تواند نقش مهمی در صلح‌سازی، کاهش آلام قربانیان و مجازات خاطیان پس از مخاصمات ایفا کند. در این مورد می‌توان به گزارش هیئت حقیقت‌یاب غزه اشاره کرد که اعلام کرد «حملات علیه منابع آبی با هدف محروم کردن مردم از ابزارهای ضروری حیات می‌تواند جنایت علیه بشریت قلمداد شود» (UN Doc. A/HRC/12/48, 2009: para. 75). قضیه مطروحه از سوی «سازمان حقوق بشر سودان»^۱ و «مرکز حقوق اسکان و اخراج»^۲ علیه سودان، در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر نیز رأی مهم در سال ۲۰۰۹ بود که مسموم کردن منابع آبی در طول مخاصمه دارفور را نقض منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها دانست (Sudan Human Rights Organisation & Centre on Housing Rights and Evictions (COHRE) v. Sudan, 2009, para. 212) و به نوسازی تأسیسات اقتصادی و

1. Sudan Human Rights Organisation
2. Centre on Housing Rights and Evictions (COHRE)

اجتماعی در دارفور و ارائه خدمات آبی به عنوان یک عنصر ضروری برای بازگشت پناهندگان و آوارگان داخلی اشاره کرد (Tignino, 2016: 99).

بنابراین، از آنچه گفته شد این طور دریافت می‌شود که حقوق بین‌الملل در جهت انجام وظیفه اول خود در ارتقای امنیت آب یعنی تعیین حقوق و تکالیف دولت‌ها پیشرفت‌های زیادی داشته است، اما در جهت ایفای وظیفه دوم یعنی تأسیس نهادهایی در جهت همکاری پایدار آبی بین دولت‌ها موفقیت چندانی کسب نکرده است؛ اگرچه نقش نهادهایی مثل یونپ و شورای جهانی آب در شناساندن ابعاد مختلف مفهوم امنیت آب و تشویق دولت‌ها به انجام اقداماتی در این زمینه غیر قابل انکار است. با نگاهی کلی به قواعد حقوقی، رویه دولت‌ها، سازمان‌ها و دیگر نهادهای بین‌المللی می‌توان به این نتیجه رسید که فعالیت حقوق بین‌الملل در بیان اصول و مقررات برای ایجاد وضعیت امنیت آب، قوی و عملکرد آن در مرحله اجرایی نسبتاً ضعیف ارزیابی می‌شود. هرچند این نکته نیز قابل توجه است که در مرحله اجرا، تلاش‌های حقوقی بین‌المللی بدون وجود تمایل سیاسی کنشگران بین‌المللی به ویژه دولت‌ها، تأمین مالی ضروری برای حمایت از سطوح همکاری، تنظیم قواعد و ایجاد نهادهای مناسب نمی‌تواند به تنهایی مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری

هم‌زمان با روند انسانی شدن حقوق بین‌الملل، مفاهیمی چون امنیت بین‌المللی رنگی انسانی به خود گرفت و از معنای صرف مصنوعیت از خطرات نظامی علیه حاکمیت دولت‌ها دور شده و به سمت آسودگی خاطر انسان از تأمین نیازهای اساسی او تغییر معنا داد. در نتیجه این روند، ابعاد جدیدی از امنیت همچون امنیت آب شکل گرفت. امنیت آب به بیان ساده به مفهوم اطمینان خاطر جوامع از وجود منابع آبی کافی و سالم، دسترسی آسان به منابع آبی و ایمنی از خطرات و تعارض‌های مربوط به آب است. این مفهوم اگرچه در عرصه بین‌المللی و سیاسی اصطلاحی جدید و نوظهور است اما با تعمیق فزاینده بحران جهانی آب، اهمیت درک معنای امنیت آب و تلاش

برای تأمین آن افزایش یافته است.

اگرچه حقوق بین‌الملل به عنوان قواعد حاکم بر جامعه بین‌المللی تاکنون به طور خاص و مستقیم به موضوع امنیت آب نپرداخته است اما این به آن معنا نیست که این شاخه از حقوق در رابطه با امنیت آب دچار خلأ حقوقی است، زیرا حیطه‌های مختلف موضوعی امنیت آب شامل تأمین و حفاظت از منابع آب قابل دستیابی، تأمین دسترسی متوازن افراد و دولت‌ها به آب و بالاخره، مدیریت تعارض‌های آبی در ذیل شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل منابع آبی فرامرزی، حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح شده و تعهداتی را بر عهده کنشگران عرصه بین‌المللی قرار می‌دهد. اگرچه پیشرفت حقوق بین‌الملل در زمینه مدیریت منابع آبی فرامرزی چشمگیر نبوده است، اما چارچوب حقوقی کلی حاکم بر این موضوع تشکیل شده است. از جمله راهکارهای مؤثر نظام حقوقی بین‌المللی در تأمین امنیت آب می‌توان به قاعده استفاده معقول و منصفانه در مدیریت کمی آب‌ها، تعهد به منع آسیب فرامرزی، توسعه همکاری‌ها میان تابعان مختلف حقوق بین‌الملل و پایبندی به اصولی چون احتیاط، پیشگیری، همکاری و اطلاع‌رسانی در جهت مدیریت آلودگی آب‌ها و حفظ کیفیت آن‌ها اشاره کرد. همچنین حقوق بین‌الملل به منظور تأمین امنیت منابع آبی برای آیندگان اصل توسعه پایدار را مطرح کرده و به دولت‌ها استفاده پایدار از منابع آبی را توصیه می‌کند. تعهد به پیشگیری، کاهش آسیب‌ها و بازسازی صدمات ناشی از بحران‌ها و بلایای آبی نیز از دیگر راهکارهای حقوق بین‌الملل در راستای تأمین امنیت آب است. اگرچه قواعد حقوقی بین‌المللی در این حیطه ابتدایی است و عمدتاً در قالب اسناد غیر الزام‌آور و به تعبیری حقوق نرم بروز یافته‌اند اما می‌توان در دیگر حوزه‌های حقوق بین‌الملل موضوعه تعهداتی الزام‌آور را جستجو کرد که در مدیریت بحران‌ها و بالطبع تأمین امنیت آب مفید هستند؛ مانند الزام همه دولت‌ها به اطلاع‌رسانی شرایط بحرانی به دولت در معرض خطر، لزوم انجام اقدامات احتیاطی، پیشگیرانه، منع آسیب فرامرزی و تعهد به همکاری و امداد رسانی به دولت آسیب‌دیده. حرکت مترقیانه جامعه بین‌المللی در

جهت شناسایی حق بر آب آشامیدنی سالم به عنوان یک حق بشری و تلاش بر اجرای آن نیز از دیگر گام‌های مثبت حقوق بین‌الملل در مسیر تأمین امنیت دسترسی افراد به آب است. افزون بر این، دولت‌ها موظف هستند در استفاده از منابع آبی مشترک، مطابق قاعده استفاده معقول و منصفانه عمل کرده و در دسترسی دولت‌های دیگر به منابع آبی مورد نیاز، مانعی ایجاد نکنند. تعهد دولت‌ها به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی و منع توسل به زور و هم‌چنین پایبندی آن‌ها به قواعد حمایتی از آب در خلال مخاصمات مسلحانه و بازسازی هر چه سریع‌تر تأسیسات آبی پس از مخاصمات، از جمله تعهدات بین‌المللی است که منجر به برقراری وضعیت امنیت آب می‌شود و در حفظ، ایجاد و بازگشت صلح و امنیت بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کند؛ بنابراین تأمین بهتر و مؤثرتر امنیت آب نیازمند همبستگی بیشتر کنشگران بین‌المللی به ویژه دولت‌ها، بر مبنای منافع جامعه بین‌المللی و نه صرفاً منافع متقابل و نیز بهره‌گیری از مشارکت دیگر نهادها مانند سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، مشارکت گروه‌های مختلف مردم و نهادهای منطقه‌ای در تصمیم‌گیری‌ها، اجرا و نظارت بر تصمیم‌ها است. شایان ذکر است اگرچه حقوق بین‌الملل نمی‌تواند به تنهایی بار کاهش روند فزاینده ناامنی آب را بر دوش گیرد اما دست‌کم می‌تواند در ایجاد تعهد، اعتماد و حسن نیت بین استفاده‌کنندگان از منابع آب و تقویت نهادهای مدیریتی آب نقش مهمی ایفا کند.

منابع

الف. فارسی

آوریده، فریبا، عطاری، جلال و محسن عبداللهی (۱۳۹۵) «مطالعه تطبیقی اصول و قواعد بین‌المللی حاکم بر تقسیم آب در رودخانه‌های فرامرزی»، فصلنامه علوم محیطی، ۱۴، ۲، صص ۷۹-۹۶.

اشرافی، داریوش (۱۳۹۳) «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۴۲، صص ۱۰۹-۸۳.

اردو، سارا (۱۳۹۶)، «ساخت سد ایلیسو در ترکیه در تضاد حقوق بین‌الملل»،

در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1969520> (۱۳۹۷/۰۹/۰۳)

سیف‌الدینی، سالار (۱۳۹۶)، «ژئوپلیتیک آب در شرق کشور/ جنگ خاموش آب بین ایران و افغانستان»، (۱۳۹۷/۰۹/۰۳)، در: <https://www.mehrnews.com/news/4025650>.

شیرازیان، شیرین و عطیه خطیبی (۱۳۹۴) «حقوق بهره‌برداری غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی با نگاهی به توسعه پایدار»، پایداری، توسعه و محیط زیست، ۲، ۴، صص ۸۵-۷۳.

صفاری نیا، مهزاد (۱۳۹۴) حق بر آب آشامیدنی سالم در حقوق بین‌الملل بشر، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸) حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش.

فریادی، مسعود (۱۳۹۷) «نقش حقوق عمومی در کنترل مصرف آب»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۱۰، ۱، صص ۱۹۷-۱۶۱.

فهیمی، عزیزاله و علی مشهدی (۱۳۹۵) حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: خرسندی.

کاپونترا، دانتی آگوستو و مارسلا آنی (۱۳۹۲) اصول حقوق و مدیریت آب، ترجمه و تحقیق: محسن عبداللهی و اصلی عباسی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

ب. انگلیسی

- Aronsson-Storrier, Marie (2017) "Sanitation, Human Rights and Disaster Management", **Disaster Prevention and Management**, 26, 5, pp. 514- 525.
- De Chazournes, Laurence Boisson (2013) **Fresh Water in International Law**, Oxford: Oxford University.
- Grigg, Neil S. (2016) "Water Security, Disasters and Risk Assessment", In: Neil s, Grigg, **Integrated Water Resource Management, an Interdisciplinary Approach**, London: Palgrave Macmillan, pp. 375-393.
- Kuokkanen, Tuomas (2017) "Water Security and International Law", **PERLPLJ**, 20, pp. 1-22.
- Leb, Christiana (2013) **Cooperation in the Law of Transboundary Water Resources**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Phan, Hà Lê & Winkler, Inga T. (2016) "Water Security". In: S. C. Breau, & K. L. Samuel, **Research Handbook on Disasters and**

- International Law**, Cheltenham, Northampton: Edward Elgar Publishing, pp. 295-318.
- Rieu-Clarke, Alistair S. (2008) "A Survey of International Law Relating to Flood Management: Existing Practices and Future Prospects", **Natural Resources Journal**, 48, pp. 649-677.
- Tarlock, Dan (2008) "Water Security, Fear Mitigation and International Water Law (Symposium)", **Hamline Law Review**, 31, 3, pp 703-728.
- Tignino, Mara (2016) "Water During and after Armed Conflicts: What Protection in International Law?", **International Water Law**, 1.4, pp. 1-111.
- Wouters, Patricia (2005) "Water Security: What Role for International Law?" In Doods, Felix & Tim Pippard, **Human and Environmental Security: An Agenda for Change**, London: Earth Scan, pp. 166-181.
- Wouters, Patricia, Vinogradov, Sergei & Bjørn- Oliver Magsig (2009) "Water Security, Hydrosolidarity, and International Law: A River Runs Through It...", **Yearbook of International Environmental Law**, pp. 97-134.

ج. اسناد

- Case Relating to the Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder, (UK/ Pol), Judgement, P.C.I.J. Reports, Ser. A, No. 23, 1929.
- Charter of United Nations, (1945).
- Convention on Cluster Munitions, (2008).
- Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques (ENMOD Convention), (1976)
- Convention relating to the Development of Hydraulic Power affecting more than one State, (1923)
- Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction, (1993).
- Gabcikovo- Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgement, I.C.J. Reports 1997.
- Human Development Report 1994: New Dimensions of Human Security. Oxford University Press, (1994).
- International Law Commission (ILC), Draft Articles on the Law of

- Transboundary Aquifers, with Commentaries, (2008).
- International Law Commission (ILC), Draft Articles on the Protection of Persons in the Event of Disasters, (2016).
- Kyoto Protocol to the United Nations Framework Convention on Climate Change, (1997).
- Paris Agreement under the United Nations Framework Convention on Climate Change, (2015).
- Protocol II on Prohibitions or Restrictions on the Uses of Mines, Booby-Traps and Other Devices to 1980 Convention, (1996).
- Protocol V on Explosive Remnants of War to 1980 convention. (2003).
- Resolution “Strengthening Legal Protection for Victims of Armed Conflicts”. 31th International Conference of the Red Cross and Red Crescent, (2011).
- Rome Statute of the International Criminal Court, (1998).
- Sudan Human Rights Organisation & Centre on Housing Rights and Evictions (COHRE) v. Sudan, Communication No. 279/03 & 296/05 (African Commission on Human and Peoples’ Rights 2009).
- The Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers, (1966).
- UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No. 15: The Right to Water (Arts. 11 and 12 of the Covenant), 20 January 2003, E/C.12/2002/11. (2003).
- UN Convention on the Law of the Non- Navigational Uses of International Water Courses, (1997).
- UN Convention relating to the Status of Refugees, (1951).
- UN Doc. A/HRC/12/48, Fact-Finding Mission on the Conflict in Gaza, Report, (2009).
- UN Doc. A/RES/70/1, (2015).
- UN Doc. A/RES/64/292, (2010).
- UN Doc. S/23500, (1992).
- UN Doc. S/PV.7959, (2017).
- UN Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), (1992).
- World Commission on Environment and Development (WCED), Our common future. Report of the World Commission on Environment and Development. G. H. Brundtland, (1987).

د. سایت های اینترنتی

English Oxford Living Dictionary. (n.d.), “Security”, (2018), in:
<https://en.oxforddictionaries.com/definition/security>.

UN Water, (2013), “What is Water Security?Infographic”,(2018), in:
<http://www.unwater.org/publications/water-security-infographi>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی